

آشوب‌سازی صدر، کی و کجا متوقف می‌شود؟!

مهدی بازرگان؛ پیرو مطالب پیشین نگارنده برای «شرق» پیرامون آماده‌شدن مقتدی صدر در جهت ورود به آشوب‌سازی در عراق، برگزاری نماز جمعه ۲۴ تیر/ ۱۵ جولای، جنجال‌سازی هفته‌های اخیر درباره فایل صوتی نوری مالکی و نیز ورود صدری‌ها به منطقه سبز بغداد، حمله به مجلس و نهایتا سردادن شعار علیه جریان چارچوب هماهنگی و جمهوری اسلامی ایران در چهارشنبه گذشته از قبل قابل‌پیش‌بینی بود. با اتفاقاتی که چهار روز پیش در منطقه الخضرا روی داد، اختلاف به اوج خود رسیده است و یقینا می‌تواند بیش از این هوج اوج پیدا کند.

با وجود آنکه خروج نمایندگان جریان صدر از پارلمان عراق توانست به صورت موقت فضای لازم را برای چارچوب هماهنگی در جهت تشکیل دولت فراهم کند، اما با مطرح‌شدن محمد شیاع السودانی به عنوان گزینه اصلی این جریان (چارچوب هماهنگی) برای تصدی منصب نخست‌وزیری، نه تنها باید در پیشبرد روند تشکیل دولت جدید در عراق پس از ۲۹۳ روز بن‌بست سیاسی با دیده تردید نگریست، بلکه کل عراق اکنون باید خود را برای خروج از مرحله آشوب‌سازی سیاسی و ورود به

مرحله هرج‌ومرج خیابانی آماده کند.

چون مقتدی صدر از همان ابتدا صرفا به دنبال کشاندن عراق به این مرحله (هرج‌ومرج خیابانی) بود. در این بین تصمیم صدر برای بالاترین‌دُر آشوب‌سازی سیاسی یا هرج‌ومرج خیابانی بی‌شک متناسب با عملکرد چارچوب هماهنگی است. اگر رقبای صدر کماکان بر خواسته خود مبنی بر به‌قدرت‌رساندن السودانی به کرسی نخست‌وزیری مُصر باشند، بی‌شک مقتدی صدر هم وارد سطح بالاتری از آشوب‌سازی خواهد شد.

در این بین نباید دو نکته کلیدی را فراموش کرد؛ نخست آنکه هیچ تفاوتی بین محمد شیاع السودانی با دیگر شخصیت‌های سیاسی عراق برای رسیدن به نخست‌وزیری عراق وجود ندارد. از منظر مقتدی صدر هر فردی که به عنوان گزینه اصلی چارچوب هماهنگی برای تصدی پست نخست‌وزیر معرفی شود با واکنش تند وی مواجه خواهد شد. زیرا برخلاف آنچه تصور می‌شود حمله چهار روز پیش صدری‌ها به پارلمان عراق، اعتراض به نامزدی محمد شیاع السودانی به‌عنوان نامزد

«شرق» در گفت وگوبا دو کارشناس رفتار مقتدی صدر درباره مسائل عراق را بررسی کرد

تندروی‌هایی برای انحلال پارلمان بغداد

عبدالرحمن فتح الهی؛ اگرچه در ۲۹۳ روزی که از بن‌بست سیاسی برای تشکیل دولت و کابینه جدید در عراق پس از برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی ۱۰ اکتبر ۱۸/۲۰۲۱ مه‌رمه‌ماه ۱۴۰۰ در این کشور می‌گذرد، شاهد وقوع اتفاقات متعددی بوده‌ایم؛ اما به نظر می‌رسد اقدام جریان صدر در چهارشنبه هفته گذشته برای ورود به منطقه سبز بغداد، حمله به پارلمان این کشور و همچنین سردادن شعار علیه جریان چارچوب هماهنگی و جمهوری اسلامی ایران را می‌توان نقطه عطفی دانست که بی‌شک خود آن، منشأ اتفاقات و تحولات بعدی در این کشور خواهد بود؛ چراکه آن‌گونه که پیداست، مقتدی صدر عملا پروژه آشوب‌سازی سیاسی و هرج‌ومرج خیابانی را کلید زده است و از هیچ‌گونه تحرکی برای به شکست کشاندن تلاش‌های چارچوب هماهنگی در زمینه انتخاب نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور و تشکیل کابینه جدید عراق یا محوریت این جریان (چارچوب هماهنگی) دریغ نخواهد کرد. پیرو نکته یادشده شماری از هواداران مقتدی صدر در اعتراض به محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر پیشنهادی احزاب چارچوب هماهنگی شیعیان عراق، دست به تظاهرات زدند. آنچه در این بین حائز اهمیت جلوه می‌کند، آن است که مقتدی صدر اصطلاح رودرپایستی و تعارف سیاسی با ایران را هم کنار گذاشته و عملا تهران را هم از تیغ حملات و انتقادات خود گذرانده است. اگرچه به فاصله ساعاتی پس از حمله جریان صدر به پارلمان عراق شاهد صدور بیانیه جریان چارچوب هماهنگی بودیم که از معترضان دعوت شد تا در برابر ایجاد فتنه در کشور هوشیار باشند؛ اما به نظر می‌رسد که عراق از این پس باید خود را برای دور جدیدی از بحران در این کشور آماده کند که از بحران سیاسی به هرج‌ومرج خیابانی کشیده شده است.

همه جریان‌های رقیب از میدان خارج شوند. به نظر سفیر اسبق ایران در یونان مهم‌ترین جریان رقیب برای صدر تنها چارچوب هماهنگی است که با حمایت ایران دست به فعالیت سیاسی در راستای تشکیل دولت و انتخاب نخست‌وزیر زده است.

آن‌گونه که کارشناس ارشد مسائل خاورمیانه و جهان عرب در گفت‌وگوش با «شرق» مطرح می‌کند، شخصیت سیاسی مقتدی صدر هم در ایجاد چالش کنونی مؤثر است؛ چراکه از دیدگاه محبعلی، مقتدی صدر اساسا یک شخصیت تمامیت‌خواه است و تمایلی ندارد قدرت را با هیچ جریان رقیبی تقسیم کند. به همین دلیل صدر در یک برنامه‌ریزی با خروج خود‌خواسته و عمدی نمایندگان جریانش از پارلمان عراق، سعی کرد با به راه انداختن هرج‌ومرج سیاسی، جنجال‌سازی رسانه‌ای و همچنین آشوب‌سازی خیابانی، فضا را به سمتی بکشاند که افکار عمومی بر ضد ایران و چارچوب هماهنگی وارد میدان شوند. خصوصا که مطرح‌شدن فردی همچون محمد شیاع السودانی به‌عنوان گزینه جدی چارچوب هماهنگی در جهت تصدی کرسی نخست‌وزیری عراق باعث شد مقتدی صدر عملا ساز جنجال‌سازی آشوب‌آفرینی و هرج‌ومرج خیابانی را با اقدام چهارشنبه گذشته در حمله به پارلمان عراق و سردادن شعار علیه این جریان (چارچوب هماهنگی) و ایران کلید بزند؛ چراکه اگر جلوی پیروسه نخست‌وزیری السودانی گرفته نشود، صدر عملا خود را بازنده انتخابات می‌داند.

اقدامات صدر به کاهش نفوذ ایران در عراق منجر خواهد شد؟

اوج‌گیری تنش فعلی بین جریان صدر و چارچوب هماهنگی را چه اختلاف داخلی در عراق پس از انتخابات زودهنگام ۱۰ اکتبر ۱۸/۲۰۲۱ مه‌رمه‌ماه ۱۴۰۰ بدانیم یا نه، بسیاری معتقدند دامن‌زدن به اختلاف‌های این دو (جریان صدر و چارچوب هماهنگی) و در ادامه تداوم و تشدید تحرات و اقدامات جریان صدر می‌تواند به کاهش نفوذ ایران در مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین کشورهای حوزه محور مقاومت جمهوری اسلامی یعنی عراق منجر شود. این نکته برای تهران بسیار حائز اهمیت است؛ از آن جهت که عراق به‌عنوان سرپل ارتباطی ایران با دیگر کشورهای حوزه محور مقاومت از سوریه گرفته تا لبنان و فلسطین عمل می‌کند.

قاسم محبعلی در یک ارزیابی صریح اذعان دارد بیش و پیش از آنکه بخواهیم به انتقاد از اقدامات، مواضع و سیاست‌های مقتدی صدر در جهت کاهش نفوذ ایران در عراق بپردازیم، باید آسیب‌شناسی دقیق‌تری از برخی عملکردهای کارشناسی خود در این کشور داشته باشیم؛

چراکه به هر حال تهران هم در سال‌های اخیر به نحوی در عراق رفتار کرده که همواره انتقادهایی به آن وجود داشته است و این فرصت مغتنمی را در اختیار مقتدی صدر برای جنجال‌آفرینی و آشوب‌سازی علیه چارچوب هماهنگی و ایران فراهم کرده است.

از آن سو، صباح زنگنه سؤوال «شرق» را این‌گونه پاسخ می‌دهد: شیوه پوپولیستی مقتدی صدر نهایتا به کاهش نفوذ ایران در عراق منجر خواهد شد. ضمن آنکه دیگر کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای نیز مستقیم و غیرمستقیم از هر جریانی که بخواهد یا بتواند در برابر نفوذ ایران در عراق بایستد، حمایت می‌کنند. بنابراین نباید و نمی‌توان منکر ارتباط صدر با ریاض و… در جهت کاهش و حتی قطع نفوذ ایران در عراق شد. تحلیلگر ارشد مسائل عراق، گریزی نیز به تاثیر شرایط اقتصادی دو کشور بر روند کنونی می‌زند و پیرو آن وضعیت نامطلوب کنونی در جهت تشدید فضای ضدایرانی در عراق را تا حدی نتیجه هر سیاسی‌کم‌کاری‌های تهران هم می‌داند؛ چراکه از نگاه زنگنه، جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر آن‌گونه که باید نتوانسته است سهم خود را در صادرات و تجارت نباید با عراق افزایش دهد و اتفاقا به موازات آن روز به روز شاهد کاهش حجم مبادلات تجاری با عراق هستیم و در ازایش کشورهای منطقه از ترکیه تا عربستان و… مرتب در حال پرکردن جایگاه ایران هستند؛ تا جایی که ایران با مبادلات ۱۰ میلیارد دلاری با

تصدی سمت نخست‌وزیری نبوده است، بلکه باید آن را اقدامی در جهت توقف پیروسه تشکیل دولت توسط چارچوب هماهنگی تلقی کرد.

از این‌منظر اگر در آینده کماکان السودانی به دنبال رسیدن به نخست‌وزیری عراق باشد یا چارچوب هماهنگی گزینه دیگری را برای این پست (نخست‌وزیر عراق) معرفی کند، باید منتظر واکنش تندتر و قهرآمیزتری از سوی صدر باشیم. با این تفاسیر بی‌شک اقدام بعدی صدر هرچه باشد باید آن را رادیکال‌تر از حمله به پارلمان دانست.

نکته مهم‌تر و کلیدی‌تر آن است که باید گزینه میانجیگری و وساطت سیاسی از سوی ایران یا هر کشوری برای رسیدن به مصالحه بین صدر و چارچوب هاهنگی را کنار گذاشت. همان‌گونه که نگارنده بارها تاکید کرده است اگرچه شاید در نگاه اول سناریوی تقسیم قدرت یک سناریوی مطلوب از منظر چارچوب هماهنگی، آن هم در شرایط فعلی باشد، ولی در تحلیلی عمیق‌تر آن‌گونه که پیداست مقتدی صدر به کمتر از تصاحب کل قدرت و زعامت کامل بر امور عراق قناعت نمی‌کند.

ازاین‌رو عملا بازیگری و صحنه‌گردانی مقتدی صدر هرگونه تلاشی برای ثبات سیاسی در عراق و تشکیل دولت را ناکام می‌گذارد. کمااینکه در این مدت تحركات تهران راه به جایی نبرده است. پیرو نکته یادشده توییت ۲۵ اردیبهشت/ ۱۵ می ۲۰۲۲ مقتدی صدر و پیش‌کشیدن طرح پلن «بی» با عنوان «اپوزیسیون ملی» مؤید آن است که سناریوی قبضه قدرت از سوی رهبر جریان صدر تغییرات معناداری پیدا کرده است؛ تغییراتی که حکایت از عمیق‌ترشدن بحران در عراق می‌دهد.

به معنای دقیق‌تر کلمه مقتدی صدر با حذف خودخواسته جریانش از پارلمان به هیچ جریانی اجازه تشکیل دولت را نخواهد داد؛ بنابراین تنها در دو صورت می‌توان شاهد توقف پروژه آشوب‌سازی صدر برای عراق بود یا باید انحلال پارلمان فعلی و برگزاری دور جدید انتخابات در عراق کلید بخورد یا با کنارفتن چارچوب هماهنگی، صدری‌ها به‌عنوان جریان اصلی تشکیل دولت و نهایتا قبضه قدرت در عراق وارد عمل شوند. در غیر این صورت بحران‌سازی صدر برای این کشور وارد مراحل پیچیده‌تری خواهد شد.



تاریخ می‌زند و عنوان می‌کند تا پیش از انقلاب امنیت منطقه خاورمیانه بر پایه یک امنیت «دو ستونی» ناظر به حضور عربستان و ایران بود که با مدیریت کلان ایالات متحده در دستور کار قرار گرفت که با پیروزی انقلاب اسلامی عمر این نظام دو ستونی پایان یافت، اما بعد از انقلاب شرایط رفته‌رفته به سمتی پیش رفته است که کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به‌خصوص در سال‌های اخیر سعی دارند این مدیریت دو ستونی خاورمیانه را احیا کنند. با این تفاوت که به جای ایران، عربستان و اسرائیل مدیریت منطقه غرب آسیا را در دست بگیرند و به دنبال آن جایگاه ایران را به‌تدریج کاهش دهند. محبعلی می‌افزاید: در چنین نگاه کلانی قطعا عراق هم از اهمیت بسزایی برای این کشورهای عربی و به‌خصوص اسرائیل برخوردار است. به‌ویژه آنکه این کشورها معتقدند عراق می‌تواند سرپل ارتباطی ایران به حوزه محور مقاومت باشد. از این منظر از هرگونه تلاشی برای کاهش نفوذ ایران در عراق نهایت استفاده و بهره‌برداری صورت خواهد گرفت.

سفیر پیشین ایران در یونان گفته‌هایش را با ذکر این نکته به پایان می‌رساند که تلاش‌های اخیر عربستان سعودی، امارات متحده عربی، اردن، مصر، کویت و…، برای احیا و پرتنگ‌کردن روابط با جمهوری اسلامی ایران صرفا در جهت مدیریت تهران است تا این کشور به یک بازیگر «غیرقابل کنترل»، «غیر قابل مدیریت» و «غیرقابل مهار» بدل نشود.

آشوب‌سازی مقتدی صدر تا کجا ادامه دارد؟

رهبر جریان صدر که اکنون فاز جدیدی از بحران‌سازی در عراق را با اجراکردن مرحله هرج‌ومرج خیابانی عملیاتی کرده است تا کجا پیش خواهد رفت؟ بسیاری از کارشناسان، ناظران و تحلیلگران در پاسخ به این سؤال معتقدند تا زمان انحلال رسمی پارلمان فعلی عراق و برگزاری دور جدید انتخابات زودهنگام در این کشور کماکان مقتدی صدر به بحران‌سازی در عراق ادامه می‌دهد. البته این گزاره تحلیلی نیز وجود دارد که مقتدی صدر علاوه بر مدیریت کلان سیاسی در عراق نیم‌نگاهی جدی به حوزه مرجعیت هم دارد؛ ازاین‌رو تا زمان رسیدن به این مهم از آشوب‌سازی دست بر نخواهد داشت.

در همین رابطه صباح زنگنه و قاسم محبعلی در خوانشی همسو و یکسان اعتقاد دارند آشوب‌سازی که جریان صدر در پشت آن قرار دارد، اگر توسط چارچوب هماهنگی و جمهوری اسلامی ایران مدیریت نشود، امکان دارد به انحلال پارلمان فعلی بینجامد، اما صباح زنگنه ارزیابی خود را روی شخصیت سیاسی مقتدی صدر می‌گذارد و در ادامه کپ‌وکفتش با «شرق» می‌گوید: این فرد (صدر) در سال‌های اخیر به روشنی نشان داده است که از ثبات سیاسی، ثبات تصمیم‌گیری و ثبات رأی برخوردار نیست؛ بنابراین نمی‌توان ارزیابی و پیش‌بینی دقیقی از رفتارها، اقدامات و تصمیمات او در صحنه سیاسی عراق داشت. زنگنه اذعان دارد که هر لحظه امکان وقوع هر رفتار، تصمیم و اقدامی از مقتدی صدر وجود دارد. بااین‌حال وی (صدر) همواره سعی کرده است روابط متوازنی با همه کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای از جمهوری اسلامی ایران تا عربستان سعودی برقرار کند تا نفوذش را در تهران و ریاض به صورت هم‌زمان حفظ کند. بااین‌حال تحلیلگر ارشد مسائل عراق معتقد است تا زمانی که فضای پوپولیستی در این کشور رواج دارد و دموکراسی به شکل فکتمانی عمیق در عراق بروز و ظهور پیدا نکند باید شاهد جریان‌سازی و موج‌سواری مقتدی صدر و امثال وی در عراق باشیم.

بااین‌حال سفیر پیشین ایران در یونان معتقد است اگرچه مقتدی صدر در تلاش است تا به عنوان مهره‌ای تاثیرگذار و غیرقابل‌انکار در صحنه سیاسی عراق جلوه کند و مدیریت کلان سیاسی، اقتصادی و سایر حوزه‌های این کشور را در دست بگیرد، اما برخلاف تصور آنچه برخی از ناظران اعتقاد دارند وی (صدر) از چنین جایگاهی برخوردار نیست که علاوه بر حوزه سیاسی بخواد به حوزه مرجعیت و رهبری دینی عراق ورود کند. چراکه اساسا مقتدی صدر یک روحانی سیاسی است تا آنکه کاریزمای دینی داشته باشد. از این منظر مرز توقف آشوب‌سازی صدر فقط انحلال پارلمان و قبضه قدرت سیاسی است.

عراق، تنها حدود هشت درصد از حجم تجارت خارجی این کشور را به خود اختصاص داده است که به‌هیچ‌وجه متناسب با همکاری‌های ما در دیگر سطوح از سیاسی و دیپلماتیک گرفته تا فرهنگی و حتی نظامی، امنیتی و دفاعی نیست که جای نقد دارد. به همین دلیل، روابط ایران و عراق در دیگر ابعاد می‌تواند تحت‌الشعاع رفتارهای برخی احزاب و شخصیت‌های عراقی نیز قرار گیرد.

در ادامه این خوانش اقتصاد و تجاری زنگنه از روابط ایران و عراق، وی بر این نکته هم تاکید دارد که نفوذ گسترده و انکارنشدنی ایالات متحده آمریکا بر مناسبات پولی، بانکی و مالی عراق و همچنین سایه واشنگتن بر تولید و صادرات نفت این کشور، سبب شده است اقتصاد عراق به‌گونه‌ای نرم و مهندسی‌شده روابطش را با ایران، چه از نظر صادرات و واردات کالا و چه از نظر انرژی و سایر موارد، کاهش دهد و به دنبال آن فضای سیاسی و دیپلماتیک هم بین دو طرف (ایران و عراق) کمرنگ‌تر شود تا زمینه برای تحركات برخی از جریانات ضدایرانی در عراق شکل بگیرد.

شرایط کنونی عراق وایران نتیجه دوران «پاساردار» است؟

پس از ۱۳ دی ۱۳۹۸ و ترور سردار سلیمانی، این تراورد و ارزیابی شکل گرفته است که فقدان وی به صورت خواسته یا ناخواسته می‌تواند تبعات مخربی بر نفوذ ایران در برخی کشورهای کلیدی مانند عراق بگذارد. بنابراین اتفاقاتی مانند تداوم ۱۰ماهه بن‌بست سیاسی در عراق، اوج‌گیری اختلاف‌های درونی با محوریت تقابل جریان صدر و چارچوب هماهنگی و برخی تحركات مقتدی صدر در مقابل ایران می‌تواند از نتایج مستقیم، ملموس و در عین حال مهم دوران پاساردار باشد.

صبح زنگنه در ارزیابی و کالبدشکافی این نکته به «شرق» می‌گوید: بدون شک فقدان سردار سلیمانی به‌عنوان شخصیتی که علاوه بر ابعاد نظامی، دفاعی و امنیتی، دارای یک بعد سیاسی و دیپلماتیک بود، بر شکل‌گیری فضای کنونی اثر دارد؛ چراکه سردار سلیمانی تا پیش از شهادت منشأ اثرات مثبتی در هم‌افزایی، اتحاد و برون‌رفت عراق از بن‌بست‌های سیاسی بوده است. در نتیجه فقدان وی سبب شده تا شرایط کنونی برای عراق شکل بگیرد.

از دید زنگنه، سردار سلیمانی دارای کاریزمای خاصی هم در میان همه اقوام، احزاب و جریان‌های عراق از کردها گرفته تا شیعیان و اهل سنت این کشور بود. به همین واسطه خلا وی می‌تواند به تداوم و تشدید اختلافات در درون عراق و به تبعش کاهش نفوذ ایران در این کشور بینجامد. تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه ذکر این نکته را در گفت‌وگو با «شرق» ضروری می‌داند که اگرچه نمی‌توان نقدی به توان مدیریتی جانشین وی یعنی سردار قاتنی داشت، اما به‌رحال پرتنگ‌شدن نبود سردار سلیمانی، نه‌تنها در عراق که حتی در سوریه، لبنان و… نیز می‌تواند تبعاتی برای محور مقاومت داشته باشد.

در مقابل گفته‌های صباح زنگنه، قاسم محبعلی تحلیل خود را عمیق‌تر از فقدان شخصیتی مانند سردار سلیمانی و دوران پاساردار می‌داند، چراکه به باور مدیر کل خاورمیانه عربی و شمال آفریقا در وزارت امور خارجه، تحولات منطقه غرب آسیا که عراق هم بی‌شک متأثر از آن خواهد بود در سمت‌وسویی حرکت کرده که نهایتا به کاهش نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه غرب آسیا منجر شده است.

سفیر اسبق ایران در مالزی تحلیل خود را در کپ‌وکفت با «شرق» این‌گونه ادامه می‌دهد که وقوع دو اتفاق کلیدی و مهم یعنی امضای توافق ابراهیم و همچنین حمله روسیه به خاک اوکراین و تأثیرات مستقیم و ملموس این جنگ بر خاورمیانه سبب شده شاهد پوست‌اندازی سیاسی، دیپلماتیک و حتی امنیتی، نظامی و دفاعی در منطقه غرب آسیا باشیم. به همین دلیل کشورها حاشیه خلیج فارس و اسرائیل به‌دنبال ایجاد یک پیمان و اتحاد گسترده و همچنین راهبردی در همه ابعاد از سیاسی و دیپلماتیک تا اقتصادی و تجاری و همچنین نظامی، اطلاعاتی و امنیتی هستند.

تحلیلگر ارشد جهان عرب برای تکمیل گزاره تحلیلی خود گریزی هم به